

به نام خدا

موسسه فرهنگی هنری آفتابگردان

خلاصه جلسه هشتم شرح نهج البلاغه

۱۴۰۱/۱۰/۰۲

در ادامه بررسی

لَا يُرَى الْجَاهِلُ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطًا

قصار ۶۸

لَا يُرَى الْجَاهِلُ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطًا

ترجمه: جاهل دیده نشود مگر در افراط یا تفریط

چیزی که مهم است گسترده کردن این بحث در زندگی خودمان است و این که ما معنا و معادل این کلام را بدانیم به تنهایی مثمر ثمر نیست . در این بحث موفق ترین انسان کسی است که اصل را بر این بگذارد که در بسیاری از قسمت هایی از زندگی خودش اهل افراط و تفریط هست .



درجات ما در افراط و تفریط متفاوت هست ممکن است هرکدام ما در مسئله ای دچار این مشکل باشیم .

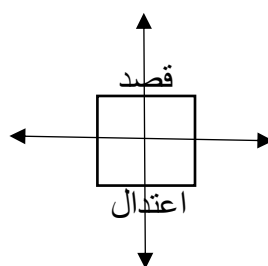
ما برای برون رفت از ماجرای افراط و تفریط باید جهل خودمان را بزداييم زیرا رفع جهل به رفع افراط و تفریط کمک می کند .

افراط و تفریط یک فرآورده است که از جهل و علم ما شکل گرفته است برای رفع این مشکل باید ریشه ی ان را بررسی و اصلاح کرد و این امر، امری تدریجی است .

بررسی چند کلمه در باب افراط و تفریط

قصد = عدل = اعتدال ≠ افراط و تفریط

بررسی کردیم که یک مرز و یک شاغولی باید وجود داشته باشد که افراط و تفریط بر اساس آن معنا می یابد .



* عفت ≠ هتك

اسم فاعل عفت: عفيف

متضاد کلمه ی عفت : هتك

هتک

یعنی یک مرزی وجود دارد وقتی از این مرز گذر می کنیم هتک حرمت کردیم.

هر جا یک مرزی بود رعایت آن مرز عفت است. مثل: عفت در کلام، عفت در رفتار و... .

هتک حرمت یعنی عدول از این چهارچوب و رد کردن مرز. عقیف یعنی شخصی که در این چهارچوب قرار دارد.

هتک به دو معناست ۱- هتک افراطی ۲- هتک مفرطی

به این معنا که اگر به یک حد مشخصی نرسیم یا از یک حد مشخصی گذر کنیم هردو معنی را کلمه ی هتک در بر می گیرد .

کلمه ی عفت یعنی عدم افراط و تفریط .

*جهل همیشه موجب هتک و افراط و تفریط است.

*علم همیشه موجب عفت و عدل و قصد است.

عفت و علم همپوشانی دارند .

منظور از علم در اینجا به معنای ادب است و ادب به معنی علم عملیاتی شده است .

*انسان مودب عقیف و قاصد و عادل است .



*بی ادبی خلاف عفت است، بی ادب هتاک است، بی ادب افراط و تفریط می کند .

خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا

خَيْرُ مَفَاتِيحِ الْأُمُورِ الصِّدْقُ وَ خَيْرُ خَوَاتِيمِهَا الْوَفَاءُ

حدیث دوم معتبر تر است اما برای بررسی حدیث اول منظور از میانه این است که در حد و مرزی که خداوند مشخص کرده حرکت کنیم .
تشخیص اعتدال ،وظیفه ی عقل ما است .

ممکن است در یک شرایط اضطراری انجام یک کاری اعتدال باشد و زمانی که شرایط تغییر کرد دیگر انجام آن کار اعتدال نباشد به همین دلیل است که نباید انسان هارا قضاوت کرد زیرا ما درک مختص به خودمان را از شرایط داریم و شرایط فرد دیگر را به طور کامل درک نمی کنیم ،ممکن است آن فرد بهترین کار را نسبت به شرایط خودش انجام داده باشد .



مصادیق افراط و تفریط

۱- افراط و تفریط در دین‌داری

۲- افراط و تفریط در نظم و قانون

۳- افراط و تفریط در تربیت فرزند

۴- افراط و تفریط در توجه به دنیا

۵- افراط و تفریط در تغذیه و غذا

۶- افراط و تفریط در دوستی و دشمنی

افراط و تفریط در دین‌داری

حتی دین خدا می تواند تابع افراط و تفریط باشد زمانی که فرد دین‌دار است
اما دین او از حد و مرز خارج می شود.



کلمه مارقین، اسم فاعل از ماده «م ر ق» است. این ماده به معنای برون رفتن از چیزی است، مانند تیر که از کمان برون می‌جهد.

امام علی خوارج را مارقین می‌نامید .

همانطور که در جلسه ی پیش بررسی کردیم پیامبر اکرم فرمودند که دین متین است و جای دیگر فرمودند دین سهله و سمحه است .

خداوند برای دین چهارچوب ،قائده و هندسه دارد و همه ی ما باید عامل به دین خدا باشیم نه مهندس دین خدا .

خداوند دین را سهل و سمح مهندسی کرده است .

سهل=آسان ≠ صعب = دشوار

هردیدیم که دین‌داری ما بغرنج است باید بازنگری کنیم که آیا ما واقعا داریم به دین خدا عمل میکنیم یا دینی که خودمان ساختیم .

سمح=مطلوب-دست یافتنی - قابل پذیرش

دین هم آسان است هم مطلوب،باعث ایجاد حس خوب در انسان می شود و اگر به این صورت نباشد به این معنی است که من از قائده خارج شدم.



افراط و تفریط در نظم و قانون

افراط در نظم و قانون را اصطلاحاً می‌گوییم زندگی سرهنگی، زندگی پادگانی. هیچگاه در نظام سرهنگی شما کسی را تربیت نمی‌کنید. هیچگاه در خانه‌هایی که فضای مامان، بابای سرهنگ و پادگان در آن جا حاکم است تربیت دینی صورت نمی‌گیرد. ممکن است بچه‌ها نماز بخوانند، روزه بگیرند، اما تربیت دینی شکل نگرفته است. وقتی که قانون افراطی باشد سهل و سمح بودن از بین می‌رود.

افراط و تفریط در تربیت فرزند

افراط و تفریط در تربیت فرزند یعنی چهارچوبی که عقل و خدا در تربیت فرزند تعیین کرده است را رد می‌کنم.

افراط و تفریط در توجه به دنیا

دنیا مداری یک حد و مرز و تعادلی دارد اما ممکن است نسبت به دنیا افراطی یا تفریطی عمل کنیم. گاهی اوقات ما آنقدر به این دنیا توجه می‌کنیم که دیگر از مسیر زندگی لذتی نمی‌بریم.

تفکر تفریطی تفکر صوفیانه است . در فرهنگ اهل بیت دنیا ستیزی نداریم .
بهترین تعبیر درباره ی دنیا این است : دنیای بلاغ و دنیای ملعون .
دنیا ی بلاغ یعنی دنیایی که من را به مقصد برساند. یعنی در نگاه امام علی
دنیا یک پل، یک ابزار، یک وسیله و یک مرکب است.
دنیا زمانی ملعون است که باعث شود ما از خدا دور شویم یا از خودمان دور
شویم مقدار و اندازه ی دنیا در روش برخورد ما تاثیر گذار نیست .

افراط و تفریط در تغذیه و غذا

گاهی اوقات تربیت را فدای تغذیه می کنیم . به عنوان مثال خوردن چای که
باعث می شود خانواده دوره هم بنشینند و معاشرت کنند اما با حذف آن ما
فقط چای حذف نمی شود بلکه آن نشست و معاشرت هم حذف می شود .
یک نکته ی مهم این است که هرگاه در ارتباط با فرزندان ما درباره ی تغذیه
به جای استفاده از کلمه ی خوشمزه از کلمه ی با خاصیت استفاده کردیم
بدانیم اتفاقی نگران کننده افتاده یادمان باشد از "پایه بودن" نیفتیم.



افراط و تفریط در دوستی و دشمنی

ما به جز در امور اعتقادی هیچ دشمن برای همیشه نداریم .

امام علی (ع) می فرمایند:

أَحِبِّ حَبِيبَكَ هَوْنًا مَا، عَسَى أَنْ يَكُونَ
حَبِيبَكَ يَوْمًا مَا. وَ أَبْغِضْ بَغِيضَكَ هَوْنًا مَا، عَسَى أَنْ يَكُونَ
حَبِيبَكَ يَوْمًا مَا.

در دوستی با دوست تعادل پیشه کن، شاید روزی دشمن تو گردد، و در
دشمنی با دشمن نیز تعادل پیشه کن، زیرا شاید روزی دوست تو گردد.

